

## چکیده

فصلنامه‌های تکنونیک که سبب ایجاد دریاچه‌های بسته در ایران شده است و وجود عامل مهم قرارگرفتن ایران در فشار زیاد جنب حاره‌ای، دوری از دریاها و محصوربودن در ارتفاعات سبب فراوانی بیابان در ایران شده است. اینجا این سؤال مطرح است که

دریا‌های عمان و خلیج فارس و دریای خزر دارای اهمیت نیست، بلکه ما می‌توانیم مانند بسیاری از کشورهای جهان پذیرای نوع دیگری از گردشگران باشیم.

کشور ما به علل گوناگونی مانند قرارگرفتن در منطقه جنب حاره، دوری از دریا و محصورشدن توسط کوه‌های البرز و

# گردشگری در مناطق بیابانی ایران

عطیه سادات صابری

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری

چگونه می‌توان از این موقعیت جغرافیایی در گسترش صنعت گردشگری در ایران استفاده کرد؟ برنامه ریزی هم زمان برای استفاده از محیط جغرافیایی بکر، بیابان‌های ایران و دریاچه‌های بسته آن، سفر با شتر، دیدار از مناطق تاریخی و اقوام مستقر در این مناطق (مانند کوچ نشینان) خرید سوغات و... همه می‌توانند قابل توجه باشند.

## مقدمه

گسترش صنعت گردشگری می‌تواند عامل مهمی در جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و کم کردن بار بیکاری باشد، اما باید با دید دیگری نیز به این صنعت نگاه کرد و آن این است که گردشگری می‌تواند دید انسانها را نسبت به فرهنگها و محیطهای دیگر جغرافیایی دگرگون سازد، به شرط آن که در درجه اول گردشگران به اهمیت گردشگری پی ببرند و درعین آنکه اوقات فراغت خود را می‌گذرانند سعی در شناخت بهتر محیطهای جغرافیایی، فرهنگ و تاریخ سرزمینها بکنند و به آنها احترام بگذارند. از طرف دیگر مردم بومی نیز به اهمیت فرهنگ، طبیعت و شخصیت خود اذعان داشته باشند. بنابراین می‌توان با دید دیگری به گردشگری پرداخت و از آن نفع مادی و معنوی برد. این مقاله با چنین دیدی به بیان گردشگری در مناطق بیابانی ایران می‌پردازد و آن را مقدمه‌ای بر این نوع گردشگری به شرط مدیریت محیط زیست و حراست از فرهنگ و میراثهای تاریخی می‌داند. نگارنده با دیدی از محیط جغرافیایی ایران با توجهات اجتماعی و اقتصادی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای دست به تألیف این نوشتار زده و امید است که مقدمه‌ای بر این نوع گردشگری باشد.

## بیان مسئله تحقیق

کشور ما در زمره کشورهای است که دارای تمدنی کهن می‌باشد و دیدار آثار تاریخی ایران آرزوی بسیاری از جهانیان و حتی ایرانیان می‌باشد، اما تنها دیدار از مناظر تاریخی و مراکز طبیعی و تفریحی بسیاری مانند کنار

زاگرس دارای بیابانها و مناطق کویری و حوضه‌های آبریز بسته‌ای مانند دریاچه نمک، جازموریان، هامون صابری و... است که به دلیل بالا بودن تعداد روزهای آفتابی و نوع زندگی و تمدن خاص مناطق بیابانی دارای اهمیت است، به شرط آنکه برنامه ریزی برای توسعه بلندمدت آن، با توجه به توان و مدیریت مناسب محیط صورت گیرد. انجام این مهم نیازمند بررسیهای همه جانبه است، زیرا در بیان تعیین حدود مسئله باید اولاً وضعیت عمومی و سپس وضعیت خاص مسئله مشخص شود. ثانیاً زمینهای که مسئله در آن قرار دارد، معرفی شود، ثالثاً حدود زمانی و مکانی و تشکیلاتی آن به خوبی مشخص گردد. رابعاً مسائل جانبی و احتمالی که ممکن است موجب تداخل شوند، شناسایی و مرز آنها با مسئله تحقیق تعیین شود.

در تشریح این مسئله باید بیان کرد که حدود مسئله مورد بررسی ما مناطق بیابانی و نیمه بیابانی ایران و به عنوان نمونه، بیشتر منطقه سیستان و بلوچستان است. حدود زمانی بیشتر در فصول پاییز و بهار و تابستان می‌باشد. مشکلاتی که بنابر تجربه دیگر کشورها (نمونه تونس) مطرح می‌گردد مانند مشکلات فرهنگی ورود توریستهای خارجی و مشکلات محیطی آن باید مورد بررسی قرارگیرد.

## ویژگیهای محیط طبیعی

پدیده‌های زمین شناختی دریاچه‌ای در بسیاری از حوضه‌های بسته داخلی مناطق خشک و نیمه خشک وجود دارند. جامع‌ترین تحقیق در مورد حوضه‌های بسته و داخلی ایران از آن کرینسلی (۱۹۷۰، ۱۹۷۲) بوده است. او یادآوری می‌کند که فعالیتهای تکنونیک پلوی-پله نیستون موجب پیدایش حوضه‌های بسته داخلی قم، دشت لوت و سبزوآر شده است و ساختمان سنگ بستر محلی- بسته به این که آیا سرچشمه‌های آبخیز پایکومی آب زیرزمینی را به رودخانه‌های جاری از کوهستانهای اطراف وارد می‌کند یا نه- می‌تواند به مقدار معتابهای چرخه هیدرولوژی حوضه‌ها را دستخوش

دگرگونی نماید. لایه‌های بینابین رسوبات نمکی و رسی سیلتی که در زیر سطوح حوضه قرار گرفته‌اند، نشانگر رسوبگذاری دریاچه‌ای ابتدا گسترده و سپس کاهش یافته می‌باشند که ناشی از سردگرم شدن اقلیمی بوده است. فقط در حوضه‌های اطراف که توسط رودخانه‌های دائمی تغذیه می‌شده‌اند (یعنی رودخانه‌هایی که در جنوب شرقی زاگرس جریان دارند از قبیل رودهای مسیله نی‌ریز و گودالهای هیلمند و جازموریان) می‌توان شواهدی از خطوط ساحلی ترک شده فعلی مربوط به زمانهای گسترش دریاچه‌ای یافت. در حوضه خشک‌تر، همانند دشت کویر (کویر بزرگ) هیچ نشانه‌ای از فزون‌ی حجم آب از حد میانگین امروز در خلال زمستانهای مرطوب‌تر وجود ندارد.

به عنوان مثال، مسیله نی‌ریز (که به وسیله دریاچه بختگان و دریاچه تشت واقع در شرق شیراز احاطه شده است) شامل شش خط ساحلی بالاتر از خط ساحلی کنونی می‌باشد. بلندترین آن (که نخستین خط ساحلی تشکیل شده می‌باشد) شامل مواد دست‌ساز سنگی مربوط به دوره پارینه سنگی زیرین می‌باشد که به وضوح روی خطوط ساحلی دیگر قرار گرفته و احتمال فراوان دارد که سن خطوط ساحلی مزبور مربوط به بیست هزار سال قبل از میلاد یا حداکثر گسترش یخچالی در وورم (III) باشد.

کرینسلی (۱۹۷۰) دریافت که نیم رخ ساحلی به مقدار زیادی در میان خطوط ساحلی چهارم و پنجم تند و پرشیب می‌شود و این نشان می‌دهد که خشکسالی بسیار وسیعی پس از تشکیل ساحل قبلی رخ داده است. از طرف دیگر باید به رسوبات دوران چهارم که حدود نیمی از وسعت کشور را دربر گرفته‌اند نیز توجه کرد. نهشته‌های دوران چهارم به اشکال مختلف و به ترتیب زیر در ایران وجود دارند:

**الف) آبرفتها:** یا نهشته‌هایی که در نتیجه فرسایش آبی بوجود آمده‌اند... به طور کلی آبرفتها زمینهای هموار و کم شیبی را بوجود آورده‌اند که جلگه‌ها یا دشتها امروزی ایران را تشکیل می‌دهند. آبرفتهای قدیمی بتدریج به صورت پادگانه یا تراس در می‌آیند. دشتهای پایکوهی در نواحی نیمه خشک ایران دارای منابع آب زیرزمینی هستند. که از قدیم به وسیله کبازیر یا چاه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. دشتها و جلگه‌های آبرفتی مهم ایران عبارت‌اند از: دشت لوت، دشت قزوین، دشت جیرفت، دشت گرگان، دشت ارژن و جلگه‌های خوزستان، گیلان و مازندران.

**ب) نهشته‌های تیخیری:** نهشته‌های تیخیری عبارت از رسوباتی هستند که در نتیجه تیخیر آب، مواد محلول در آن به صورت رسوبات گچی و نمکی بر جای مانده‌اند. این رسوبات اغلب همراه با ماریهای نمکی هستند. چنین نهشته‌هایی در ایران کویرها را به وجود آورده‌اند. کویرهای مهم ایران حوضه‌های بسته داخلی هستند و عبارتند از کویر نمک، کویر ابرکوه، کویر زنگی احمد در دشت لوت، کویر بافق قسمتی از حاشیه جازموریان، دریاچه نمک در شمال کاشان و بسیاری از کویرهای کوچک دیگر. بقیه دیگر این نهشته‌ها یادرفت‌ها، ماسه‌های ساحلی و نهشته‌های دریایی، واریزه‌ها و زمین لغزه‌ها و نهشته‌های دریاچه‌ای و چشمه‌ای و یخرفت‌ها و نهشته‌های یخرفتی هستند که کمتر مورد بحث مامی باشند.

البته هرگز نباید از محدودیت‌های این نواحی غافل ماند. به طور مثال جنوب خراسان و مشرق کرمان و شمال سیستان در فصل گرما قلعرو و تسلط جریان‌هایی است که به بادهای ۱۲۰ روزه سیستان شهرت دارند. منشأ این بادها هرچه باشند، بر اثر اختلاف فشار بین ارتفاعات شمالی افغانستان و دشت ناامید بشدت تقویت شده و تقریباً از خردادماه لغایت شهریورماه هر سال از جهت شمال شرقی به جنوب غربی مناطق وسیعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. البته دکتر علیچانی (آب و هوای ایران، انتشارات پیام نور) معتقد است که از ۱۵ خرداد تا ۱۵ مهر ماه است که از ارتفاعات شمال شرقی ایران به سرزمینهای جنوب شرقی می‌وزد. به نظر وی این بادها در دامنه‌های جنوبی البرز بسیار مطبوع و خنک است، اما پس از عبور از بیابانهای خشک دشت کویر و دشت لوت، بسیار گرم و خشک می‌شود. این باد اثرات منفی بر روی گیاهان در فصل بهار و تابستان دارد.

از دیگر محدودیت‌ها، سیلابهایی است که در این مناطق امکان بوجود آمدن آن است، مانند سیلابهای زاهدان (اردیبهشت ۱۳۶۶) که موجب کشته شدن حدود ۱۰۰ نفر و خرابی بسیاری از منازل مسکونی این شهر شد. کمبود آب نیز در طرف دیگر قابل ملاحظه است. باز به طور مثال با وجود چشمه‌های آهک ساز در جنوب غربی زاهدان (سعیدآباد) و جنوب

زاهدان (تخت جنیکان) رسوبات تراورتن، با زیاد شدن حجم رسوبات آهکی و مسدود شدن محلهای خروج آب، چشمه‌های قدیمی خشک شده‌اند و فقط در چند نقطه از کوهپایه آثار طوبوت و آب دیده می‌شود و تنها از یک نقطه چشمه خیلی کوچکی با دبی بسیار کم، آب خارج می‌کند. از طرفی زیر کشت بردن زمینهای این مناطق (بخصوص کویرها) هم امکان پذیر نیست. در این مورد متخصصان نظرات گوناگونی دارند و به نتیجه رسیده‌اند که با جلوگیری از کویرزائی، غنی کردن پوشش گیاهی مراتع و جلوگیری از تجمع مجدد املاح در خاک، می‌توان به کویرها کمک کرد. یا در مناطقی که بر سر راههای ارتباطی است، شاه‌گز بکارند تا از نفوذ ماسه‌های روان به سوی راهها و جاده‌ها جلوگیری کند. در این مورد، ایجاد راههای ارتباطی بسیار مهم است، زیرا در اکثر مناطق دنیا، سبب توسعه مناطق شده و امکان ارتباط آنها را با مناطق دیگر فراهم می‌آورد. همچنین، پتانسیل اقتصادی خاصی را نیز برای مناطق بوجود می‌آورد. البته اکثر آبادیهای کوچک در این نواحی در حال از دست دادن جمعیت خود هستند و به دلیل کمبود امکانات طبیعی و اقتصادی مهاجرت می‌کنند (این آبادیها عمدتاً در محور شرق و جنوب و ایران مرکزی می‌باشند).

به علاوه بالا بودن مهاجرت به خارج از کشور در سیستان و بلوچستان مؤید این مطلب است که ایجاد شغل مناسب می‌تواند به بسیاری از این نابسامانی‌ها خاتمه دهد. در سیستان و بلوچستان عواملی از قبیل رکود اقتصادی در روستاها، یکبارگی تعداد زیادی از نیروی مازاد بخش کشاورزی، عدم گسترش مناسب زیرساختهای خدماتی در روستاها، خشکسالی و سیلابهای بی درپین در منطقه از یک سو و وجود زمینه‌های اشتغال و فعالیت در آن سوی مرزها (پاکستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس) و غیره از سوی دیگر، بر شدت مهاجرت‌های روستایی در دهه‌های اخیر دامن زده است، چنانکه از سال ۱۳۳۵ تاکنون (سال



دستی این مناطق و موزه‌ها، توسعه یافته است. این کشور با چاپ و برشورهای سعی در شناخت و ویژگیهای محیط جغرافیایی، تاریخ و فرهنگ این مناطق کرده است.

البته وجود مشکلات خاص پذیرش گردشگری نیز در این کشور وجود دارد که باید توجه داشت که کشور ما بلحاظ پذیرش گردشگر فرهنگی و برنامه ریزی در راه آموزش گردشگری و مردم بومی می‌تواند جلوی بسیاری از این مشکلات را بگیرد. به علاوه توسعه مهاجرت از روستاها مشکل دیگری است اما باید توجه داشت که با توجه به مشکلات مهاجرت به خارج از کشور در بسیاری از مناطق کشور ماکه در حاشیه شرقی و جنوبی کشور واقع شده‌اند و با وجود قاچاق، می‌توان امیدوار بود که با توسعه گردشگری اشتغال بهتری ایجاد شود البته نباید برنامه ریزی برای اشتغال مناسب و مولد در صنعت گردشگری بخصوص در تولید صنایع دستی را از یادبرد. به علاوه تجربه کشورهای پذیرای گردشگر می‌تواند ما را در برنامه ریزی مناسب برای جلوگیری از ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی کمک کند.

در اینجا باید پرسیده که وسعت جغرافیایی ایران، گستردگی آن در عرضهای جغرافیایی مختلف که تنوع آب و هوا را در کشور ایران سبب شده است، وجود تمدن و فرهنگ دیرینه با قدیم و ادبیات غنی با داستانهایی مانند داستانهای شاهنامه، مکانهای تاریخی، وجود عشارپر(با کونج افقی و عمودی) نمی‌تواند جاذب گردشگر فراوان در کشور مانا شد؟ به طور مثال کوچ در بلوچستان از نوع افقی است کوچ خاصی در نواحی بیابانی است که انسان و دام در زمینهای افقی حرکت می‌کنند که در قبیله زین‌الدینی از این نوع است. البته این درست است که در اینجا باید به برنامه ریزی منطقه‌ای با سه شکل فرآیندی جهت تهیه طرحهای جامع عمران منطقه‌ای، منطقه‌ای کردن برنامه توسعه ملی (حرکت از بالا به پایین و از پایین به بالا) و روش برنامه ریزی جامع منطقه‌ای (فرآیند یکپارچه برنامه ریزی عمودی و افقی) توجه کرد و به تعادل منطقه‌ای که به معنای تعادل درآمدی، ایجاد برابری در موقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و شرایط جمعیت و بکارگیری تمام ظرفیتها و بالابردن کیفیت زندگی باشد، رسید.

در واقع در برنامه ریزی منطقه‌ای، هدف به حداقل رساندن عدم تعادل از راههای زیر است:

الف) در نظر داشتن بعد فضایی - مکانی تصمیمات اقتصادی و نگرش فضایی به توسعه ملی.

ب) اولویت دادن به انسجام و تعادل درون سیستمی مجموعه ملی بر بازدهی اقتصادی سریع و کوتاه مدت.

ج) شناسایی پتانسیل‌های مختلف مناطق و راههای بهره‌برداری از آنها (د) تنظیم روابط عملکردی بین مناطق و ایجاد و توسعه ظرفیت‌های رشد و توسعه در مناطق بازمانده از توسعه.

از دیگر سوبه علت دید بلندمدت و نگاه به توسعه پایدار در کشور ماکه به نوعی در جهان بینی اسلامی نیز مطرح می‌باشد و از نظر صاحب نظران می‌توان به جای کلمه «توسعه» از واژه «کمال» و به جای «پایداری» از مفهوم

(۱۳۸۰) بیش از ۶۰۰۰۰۰ نفر فقط از سیستان به خارج از منطقه مهاجرت کرده‌اند. و این درحالی است که سیستان دارای آثاری مانند شهر سوخته، قلعه دختر، قلعه رستم و... است. از طرف دیگر گرچه شاغلان بخش کشاورزی در کل کشور دائماً کاهش می‌یابد، اما به میزان نیروی فعال روستاها اضافه می‌شود، به طر مثال تعداد شاغلان بخش کشاورزی از ۲۸۴۱۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۲۸۳۱۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است که نشان دهنده کاسته شدن ۱۰۰۰۰ نفر از شمار شاغلان این بخش می‌باشد. این درحالی است که طی ده سال ۷۵-۱۳۶۵ به جمعیت فعال روستاها ۵۷۹۰۰۰ نفر اضافه شده است و این تعداد جدای از مهاجرین روستاها به شهرهاست. سهم بخش کشاورزی در اشتغال روستاها در سال ۱۳۶۵، ۵۷ درصد و در سال ۱۳۷۵، ۵۰ درصد بوده است. که در این مورد گرچه به ایجاد انواع اشتغال‌های دیگر توجه می‌شود اما باید سهمی نیز برای جذب گردشگر در نظر گرفته شود.

از طرف دیگر سهم صادرات غیر نفتی نیز در کل صادرات ایران هنوز کم می‌باشد و از ۴/۸۰ درصد در سال ۱۳۴۵ تنها به ۵/۷ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است.

بنابراین معتقدم می‌توان برای این مناطق یک برنامه ریزی منطقه‌ای مناسب انجام داد و از تجربه سایر کشورها منجمله تونس استفاده کرد. تونس کشور کوچکی در شمال قاره افریقا و درکناره دریای مدیترانه است و همسایه شمالی آن به موازات دریای مدیترانه قاره اروپاست. این کشور با بیش از سه دهه تجربه در زمینه صنعت گردشگری در جنوب کشور و در حاشیه صحرا به توسعه گردشگری پرداخته است.

اهداف عمده توسعه گردشگری در تونس را می‌توان به نابرابریهای منطقه‌ای و عدم توسعه و عدم اشتغال و جمعیت جوان زیاد در جنوب این کشور دانست و به خصوص نیاز به پیشرفت مناطق روستایی و توسعه اجتماعی این مناطق مدنظر بوده است. ایجاد درآمد برای کمک به رشد اقتصادی و بازپرداخت بدهیهای این کشور نیز از اهداف دیگر می‌باشد. این کشور در سالهای اخیر سعی کرده است محدوده پذیرش گردشگر را به شرق اروپا و حتی تاروسیه نیز بکشد.

چشم‌انداز جنوبی این کشور نواحی وسیعی از دشت نیمه صحرائی با چندین صحرای شنی و چندین دریاچه نمک (Chotts) می‌باشد. سکونتگاههای واحه‌ای در این ناحیه وجود دارد. وجود غروب زیبای آفتاب، سرابها، واحه‌هایی با رشد نخل و چشمه‌های آب گرم و... توزر (Touzer) شهر کوچکی در این ناحیه، یک شهر تاریخی با معماری خاص برای تجارت کاروان در صحرا بوده است. در شمال توزر خط واحه‌ای کوچکی از سلسله کوههای صحرائی از چییکا (Chebika) تا تامرز (Tamerza) است.

سفرهای بیابانی با شتر و لندرور و گردشهای کوتاه تورها در ۲ تا ۵ روز و در پایان روز به ساحل، سفر جذابی است. دیدار از مراسم قدیمی مانند عروسیها، جشنواره صحرا، جشنواره واحه‌ها، سفر با بالونهای گرم برای گردشگرها بسیار جذاب می‌باشد.

بدنیال ورود گردشگر ساخت هتلها، غذاخوریها، بازارهایی بنا صنایع

«تداوم» و «حرکت» استفاده کرد.

کشور ما به هزینه‌های اجتماعی (Social Costs) و هزینه‌های تحمیل شده (Externalised Costs) توجه دارد. هزینه‌های اجتماعی را می‌توان زیانهای مستقیم یا غیرمستقیم که بر اثر فعالیتهای بی بندوبار اقتصادی بر جامعه یا بر اشخاص تحمیل می‌شود، دانست. این هزینه‌ها به اشکال ایجاد آسیب بر سلامت انسان، نابودی اموال یا کاهش ارزش دارایی مردم و مصرف بی رویه منابع طبیعی و زوال زودرس آنها مشخص می‌شود. هزینه‌های تحمیل شده نیز هزینه‌های اجتماعی و زیست محیطی واقعی است که افراد و کشورها بر دوش جامعه، گروههای دیگر و کشورها و نسلهای آینده می‌گذارند تا خرج خود را به حداقل و سود خویش را به حداکثر برسانند و از این راه به بهای محنت دیگران، بر ثروت و رفاه و رشد اقتصادی خود بیفزایند که به سه شکل تخریب محیط زیست، ایجاد هزینه‌های اجتماعی بر دیگران و تحمیل استفاده از موادخام تجدیدنشدنی می‌باشد.

برنامه ریزان و کشور ما با شرط پاسداری از محیط زیست و محیط فرهنگی، اجتماعی و ارزش خود به پذیرش گردشگر می‌پردازند. در این مورد برنامه ریزان باید به طراحی تأسیسات توریستی براساس نیاز گردشگران بپردازند و به پیش بینی اثراتی که بر محیط زیست می‌گذارد بیندیشند و راهکارها را قبل از بروز بحران ارائه دهند.

#### نتیجه گیری

تنوع جغرافیایی می‌تواند عامل مهمی در جذب گردشگران باشد، حتی اگر بیابان باشد. کشورهایی مانند تونس با شباهتی که با نوع سرزمین مناطق بیابانی ما دارند، می‌توانند مشوق ما در جذب گردشگران خارجی (و حتی داخلی) باشند. منتها در این مورد نباید هرگز مدیریت محیط و استفاده بهینه از آن را فراموش کنیم. عامل مهم دیگر حفظ جنبه‌های فرهنگی و مذهبی کشور ماست که این با آموزش گردشگران، توجیه منطقی آنها در سفر به کشور ما و آموزش مردم کشورمان و توجیه منطقی آنها امکان پذیراست. انتخاب نواحی برای نمونه و بررسی اثرات آن می‌تواند راهگشای برنامه ریزی مناسب و بهتری باشد تا این نوع گردشگری را وسعت بخشیم. به هرحال ایران می‌تواند با توانهای تاریخی، فرهنگی و طبیعی خود پذیرای گردشگران زیادی باشد تا رشد و توسعه اقتصادی را برای کشورمان به ارمغان آورد.

#### منابع

- ۱- حافظ‌نیا، محمدرضا، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت، ۱۳۷۵، ص ۷۲.
- ۲- بروکس، یسان، ای، ژئومورفولوژی اقلیمی ایران (۲)، مترجم دکتر علی خورشید دوست، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۴۸، صص ۲۰-۱۹.
- ۳- رهنمایی، محمد تقی، توانهای محیطی ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۰، صص ۲۱-۲۰.
- ۴- محمودی، فرج...، پراکنندگی جغرافیایی ریزکارهای ایران، فصلنامه تحقیقات

جغرافیایی، شماره ۳۴، سال ۱۳۷۳، ص ۱۵.

۵- حسین زاده، سید رضا، پادهای ۱۲۰ روزه سیستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۶، ص ۱۰۴.

۶- پورکرمانی، محسن و زمره دیان، محمد جعفر، بحثی پیرامون ژئومورفولوژی استان سیستان و بلوچستان (زاهدان)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۰، سال ۱۳۶۷، ص ۱۷۱.

۷- کردوانی، پرویز، مناطق خشک (۲)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، چاپ دوم، ص ۲۵۷.

۸- کردوانی، پرویز، روشهای صحیح بیابان زدایی در ایران، مجله دانشنامه، شماره ۲۶، ۲۷، سال ۱۳۷۶، ص ۱۰۵.

۹- سعیدی، عباس، جایگاه روستاهای کوچک در برنامه ریزی توسعه سرزمین، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۳، سال ۱۳۷۵، ص ۷۲.

۱۰- ابراهیم زاده، عیسی، مهاجرت‌های روستایی و علل و پیامدهای آن (نمونه استان سیستان و بلوچستان)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۰، سال ۱۳۸۰، ص ۱۴۴.

۱۱- بیگ محمدی، حسن، جاذبه‌های جهانگردی در سیستان و بلوچستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۸، سال ۱۳۷۶، ص ۱۲۹.

۱۲- خزاعی، علی، بررسی تحولات اشتغال روستایی و راههای گسترش آن، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۳۲-۱۳۱، سال ۱۳۷۷، ص ۱۸۴.

۱۳- طهرانچیان، امیر منصور، تأثیر صادرات بر رشد اقتصادی ایران، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۶۴-۱۶۳، سال ۱۳۸۰، ص ۲۶۴.

۱۴- امان‌اللهی بهاروند، سکندر، کوچ نشینی در ایران، تهران، آنگاه چاپ دوم، سال ۱۳۶۷، ص ۵۱.

۱۵- مشیری، سید رحیم، جغرافیای کوچ نشینی، تهران، سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۷۳، صص ۱۴-۱۵.

۱۶- معصومی اشکوری، سید حسن، اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه‌ای، صومعه سرا، مؤلف، چاپ دوم، ۱۳۷۶، صص ۱۱۸-۱۱۴.

۱۷- شیخی، محمد، جایگاه برنامه ریزی منطقه‌ای در ایران، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۲۲-۱۲۱، ص ۱۸۳.

۱۸- امین زاده، مهناز و نقی زاده، محمد، ریشه‌های توسعه پایدار در جهان بینی اسلامی، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۴۶-۱۴۵، ص ۱۶۷.

۱۹- مسرت، محسن، توسعه پایدار از راه دورنی ساختن هزینه‌ها، مترجم: عزیز کیاوند، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۲۲-۱۴۱، صص ۱۱۵-۱۱۴.

۲۰- ادیسنگتون، ام. آواد یسنگتون، ج. ام. کولوژی، فعالیتهای تفریحی و صنعت جهانگردی، مترجم دکتر اسماعیل کهرم، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، سال ۱۳۷۴، ص ۲۰۰.

21 - Wolf, Peter; The problem of the sustainability of Irrigation systems; Applied Geography and Development, Volume 45 / 46, p.

22 - Bleasdale, Sue and Tapsell, Sue; Social and Cultural Impacts of Tourism policy in Tunisia; Tourism and Cultural Conflicts; CABI, 1999, p. 181-201.